

کارکرد شبکه های اجتماعی مجازی در عصر جهانی شدن

نویسنده :

سید علی رحمان زاده*

دانشگاه آزاد اسلامی واحد قیام دشت

چکیده

جهانی شدن فرایندی است اجتناب ناپذیر که از قرن نوزدهم و بیستم شروع شده و همراه با فراز و نشیب هایی که هیچ گاه به جز دوران جنگ های جهانی اول و دوم متوقف نشده، به تکامل خود ادامه داده است. این فرایند در طول مسیر خود ابتدا در بعد اقتصادی موفق بوده ولی کم کم به سایر ابعاد نیز گسترش یافته است.

این مقاله در راستای تبیین نقش شبکه های اجتماعی مجازی در عصر جهانی شدن نخست به طرح موضوع پرداخته و سپس مفاهیم جهانی شدن [۱]، کنش ارتباطی، مشارکت ارتباط مؤثر، شبکه های اطلاعاتی و ارتباطی، شبکه های اجتماعی مجازی را توصیف و در ادامه ارتباط شبکه های اجتماعی مجازی با جهانی شدن را تشریح نموده است.

جهانی‌شدن؛ کنش ارتباطی؛ مشارکت؛ ارتباط مؤثر؛ شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی
و شبکه‌های اجتماعی مجازی

اصل مقاله

مقدمه

همچنان که الگوهای ارتباطی به‌طور روزافزونی از مرزهای ملی فراتر می‌رود، آمار اتصال به اینترنت و کاربران آن به‌طور تصاعدی در حال رشد است. انتشار پرشتاب اینترنت، ماهواره و فناوری‌های دیجیتالی، ارتباط همزمان میان بخش‌های وسیعی از جهان را ممکن ساخته است. در نتیجه بسیاری از کنترل‌های ملی اطلاعات بی‌اثر شده‌اند. امروزه نقش رسانه‌ها و میزان نفوذ آنها در ساخت سیاسی جوامع بر کسی پوشیده نیست. برخی از نظریه‌پردازان ارتباطات معتقدند که امروز جهان در دست کسی است که رسانه‌ها را در اختیار دارد. نقش عمده رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی باعث شده که اهمیت رسانه‌ها تا این حد مورد توجه قرار گیرد.

امروزه شبکه‌های اجتماعی سکان‌دار اقیانوس پرتلاطم اینترنت‌اند. شبکه‌هایی که مبتنی بر فناوری “وب ۲” فعالیت داشته و با اجتماع‌گرایی مجازی نقش اساسی-ای را در معادلات رسانه‌ای جهان بازی می‌کنند. این وب‌سایت‌ها علاوه بر قابلیت شبکه‌سازی مجازی، امکان استفاده از فرصت‌های مختلف در فضای اینترنت را اعم از جست‌وجو، خواندن و به اشتراک‌گذاری اخبار، آپلود عکس و فیلم، نوشتن یادداشت‌ها و عضویت در گروه‌های مختلف، تحرک سیاسی فراهم کرده و این امر باعث اقبال کاربران اینترنتی به شبکه‌های اجتماعی شده است. فضای مجازی بسته به ساختارهای اجتماعی شکل می‌یابد و رشد فناوری، همگرایی رسانه‌ای و

مسائل مربوط به آن، در شرایط اجتماعی گوناگون برون‌دادهای متفاوتی داشته است.

شبکه‌های اجتماعی [۱] از گروه‌هایی عموماً فردی یا سازمانی تشکیل شده که از طریق یک یا چند نوع از وابستگی‌ها به هم متصل‌اند و در بستر یک جامعه اطلاعاتی پیچیده، کارکرد مؤثر شبکه همگرا را تصویر می‌کنند و موفقیت و محبوبیت روزافزون آنها به دلیل داشتن رنگ و بوی اجتماعی است.

شاید آنگاه که یک پژوهشگر آفریقایی در کنفرانس باشگاه رم تحت عنوان: «جهان در آستانه قرن بیست‌ویکم» گفتار خود درباره «عصر نوین فرهنگ و ارتباطات» را با این جملات به پایان برد، کسی سخنان او را چندان جدی نگرفت؛ او معتقد بود که «دوران کنونی تمام می‌شود و عصر تازه‌ای آغاز می‌گردد. تاکنون در هیچ زمانی بشر برای بقا تا این حد به قدرت انطباق و تخیل نیاز نداشته است. عصر جدید فرهنگ و ارتباطات، در مرحله نخست، عصری است که انسان باید در آن شجاعت خود را متحول کند.» (آلین، لی، ۱۳۷۸: ۵۵)

اما سرعت تغییرات ارتباطی و فرهنگی در پایان قرن گذشته و سال‌های آغازین سده جدید، اهمیت سه مفهوم کلیدی قدرت تخیل، قدرت انطباق و شجاعت تحول را برای تداوم حیات دولت‌ها، فرهنگ‌های ملی و - در سطحی انتزاعی‌تر - حتی تمدن‌ها به‌خوبی نشان داده است. شبکه‌های اجتماعی مجازی دو نقش اساسی را در تغییر سیاسی جامعه‌های امروزی برعهده دارند. از یک سو فرهنگ توده را نشر می‌دهند و از سوی دیگر منبع تغذیه نخبگان جامعه با هدف نوآوری و ابداع هستند، به عبارت دیگر شبکه‌های اجتماعی مجازی حلقه اتصال محیط بزرگ یا جامعه کل با محیط کوچک است. هر یک از عوامل اصلی نوزایی و خلاقیت، عامل تحرک و پیش‌برنده توسعه سیاسی است. بحث جهانی شدن و مقوله رسانه‌ها چنان با یکدیگر پیوند خورده‌اند که تصور تجربه کردن جهانی شدن بدون رسانه‌ها و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی، محال به‌نظر می‌رسد. «ادوارد سعید» نویسنده فلسطینی‌الاصل ساکن آمریکا که دارای دیدگاه‌های انتقادی در مسائل

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است، می‌نویسد: «لیبرال‌ها معتقدند گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی نه تنها کنترل بر زندگی انسان‌ها را بیشتر نخواهد کرد، بلکه زمینه قدرت‌یابی افراد در برابر سازمان‌ها و دولت را افزایش می‌دهد. فرایند جهانی شدن، نوعی آگاهی نسبت به ارزش‌های مشترک بشری را پدید آورده است. در صورتی که دولت‌ها بتوانند مفاهیم جدید امنیتی را برای خود باز تعریف کنند دیگر مجبور نیستند لشکرهای عظیم نظامی خود را تقویت کنند.» در تعریف قدرت نرم باید گفت که این قدرت توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران را داراست. به عبارت دیگر جنس قدرت نرم از نوع اقناع و جنس قدرت سخت از مقوله «وادار و اجبار» کردن است. قدرت نرم تبلیغات سیاسی نیست بلکه مباحث عقلانی و ارزش‌های عمومی را شامل می‌شود. هدف قدرت نرم تاثیرگذاری بر افکار عمومی خارج و سپس داخل کشور است. وسایل ارتباط جمعی در جهان امروز جهان‌های ذهنی و غیرواقعی را به دنیا مخابره می‌کنند. آنها دیگر به انتقال واقعیت فکر نمی‌کنند، بلکه واقعیت‌ها را می‌سازند. هدف رسانه‌ها از قدرت نرم در ابتدا مدیریت افکار عمومی نیست، بلکه رسانه‌ای در این عرصه موفق است که بتواند با افکار عمومی حرکت کند و خود را سازگار با آن نشان دهد. حکومت‌ها و حاکمانی که توانایی آینده‌نگری، ارائه هویت فرهنگی مناسب در عرصه جهانی و شجاعت ترک پاسخ‌های کهنه به پرسش‌های نو را نداشته باشند، ملت‌شان را به آستانه انقلاب و خیزش‌های اجتماعی سوق می‌دهند.

جهان امروز در معرض دگرگونی، تغییر و تحولات فزاینده‌ای قرار دارد، به خصوص حرکت به سمت و سوی "دهکده واحد جهانی" و در هم ریختن نظام‌ها و سازمان‌های ملی موجود. در عین حال بروز و ظهور چالش‌ها و بحران‌های جدید در عرصه‌های سیاست، فرهنگ، اقتصاد، امنیت و... در جهان ایجاب می‌کند که این تحولات و جریان‌ها به دقت مورد مطالعه و متمع نظر قرار گیرد و مهم‌تر اینکه فاکتورها، عوامل و اسباب مؤثر در خیزش، تسریع و یا سمت و سو دادن این حوادث و تغییرات نیز باید ارزیابی و مورد شناخت قرار گیرد. رسانه‌های ارتباط جمعی و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی، در عصر حاضر نقش عمده و مهمی را در عرصه تغییر و تحولات اجتماعی بر عهده دارند و این وسایل منشأ بسیاری از تحولات

معاصر، راهنما و کنترل کننده جریان ها و تحولات در جهان محسوب می شوند.

در جهان معاصر که موسوم به «عصر اطلاعات و ارتباطات» است و رسانه ها همه چیز را در تسخیر خود در آورده اند؛ کارکرد و اهمیت رسانه ها بر کسی پوشیده نیست. یکی از کارکردهای ویژه رسانه ها، و خصوصا شبکه های اجتماعی مجازی، اطلاع رسانی و پوشش خبری است. این مجموعه ها با ایجاد پوشش خبری کامل در زمینه های مختلف اعم از اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... سعی در جهت دهی به افکار عمومی به سمت اهداف خود را دارند. از این رو، شناخت نحوه اطلاع رسانی شبکه های اجتماعی مجازی در رابطه با حوادث و تحولات جهانی، امری لازم و ضروری پنداشته می شود.

به دلیل گستردگی حوزه تسلط شبکه های اجتماعی مجازی در جوامع امروزی و نیز برخورداری این پدیده از ویژگی سیال بودن و حرکت پویا مدارانه، لازم است که همگام با رشد و تکامل تکنولوژیکی و محتوایی شبکه های اجتماعی مجازی، در ابعاد مختلف، کارکرد آنها، به ویژه نقش آنها در تحولات اجتماعی، در عصر جهانی شدن مطالعات بیشتری صورت بگیرد.

تعاریف و مفاهیم

جهانی شدن: مفهوم «جهانی شدن» در فرهنگ علوم اجتماعی «نلسون» [۲] چنین تعریف شده است: «روند جهانی شدن عبارت از روند گسترده بین المللی شدن ارتباطات و سازمان های اقتصادی و تجاری است و در حوزه اقتصاد آنرا می توان در موافقت نامه های تجاری بین المللی و افزایش گسترده میزان تجارت بین المللی و رشد وابستگی متقابل بررسی کرد» و «آنتونی گیدنز» [۳] جهانی شدن را پدیده ای اقتصادی می داند که بر اساس آن ارتباطاتی در سطح جهان به وجود می آید و یا می توان گفت که اقتصادی جهانی متولد شده است و یا در حال به دنیا آمدن است که در آن اقتصادهای ملی مجزا و همچنین راهبردهای مدیریت اقتصادی داخلی روز به روز اعتبار خود را بیشتر از دست می دهند. (سجادی،

از نظر «رابرت کوکس» [۴]، ویژگی‌های روند جهانی‌شدن عبارتست از: بین‌المللی شدن تولید، تقسیم کار جدید بین‌المللی، حرکت مهاجرت از جنوب به شمال و محیط رقابتی جدید که در جریان جهانی شدن پیدا می‌شود. (نادران، ۱۳۸۲: ۱۷۸)

به اعتقاد «بیکر»، «ایپستین» و «پولین» [۵]، جهانی شدن شامل رشد سریع یا سطح بالایی از همکاری‌های اقتصادی بین دولت‌ها و کشورها و اقتصادهای ملی است. (همان)

«بارتسلون [۶]» جهانی شدن را انتقال [۷]، دگرگونی [۸] و استعلا [۹] تعریف می‌کند. (قره باغیان، ۱۳۷۶: ۴۱۲)

منظور از «پدیده جهانی شدن»، شکل‌گیری شبکه گسترده جهانی برای مبادله اطلاعات است. «رجائی» پیش‌بینی مارشال‌هربرت مک‌لوهان [۱۰] (۸۰-۱۹۱۱) نظریه-پرداز کانادایی را نقل می‌کند که چگونه پیشرفت ارتباطات، دهکده‌ای جهانی متشکل از بشر پراکنده را در پنج قاره ایجاد خواهد کرد. از نظر برخی اندیشمندان، با شبکه‌های جهانی که چهار گوشه عالم را به هم مرتبط ساخت، این پیش‌بینی تحقق یافت. این فرایند را جهانی شدن نامیده‌اند. عصر اطلاعات و ارتباطات، ابزارهای دستیابی به این ارتباط را به چنگ آورده است، و مهم‌تر از آن، از اهمیت مرزها فرو کاسته است. بر اثر انقلاب اطلاعاتی، جهان به راستی به یک گوی، یعنی به همان دهکده جهانی تبدیل شده است. با توجه به نگرش‌های مختلف در این وجه به چند دیدگاه اشاره می‌شود: «هلتن» جهانی شدن را یک تغییر مستقل می‌پندارد که بر متغیر وابسته‌ای چون ملت-دولت تأثیرگذار است. به عبارتی تحولات موجود در چارچوب دولت‌های ملی تابعی از کیفیت فرایند جهانی شدن است. به نظر «مک گرو»، جهانی شدن یعنی افزایش شعار پیوندها و ارتباطات متقابل که فراتر از دولت‌ها دامن می‌گستراند و نظام جدید جهانی را می‌سازد و یا جهانی شدن به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌های یک بخش از جهان می‌تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع

در بخش‌های بسیار در کره زمین دربرداشته باشد و یا جهانی شدن، نوعی دگرگونی است از جغرافیای اجتماعی که با رشد فضاهای فراسرزمینی مشخص می‌شود. به عبارت دیگر جهانی شدن، دینامیک چندجانبه‌ای می‌باشد همراه با محرک‌های عمده‌ای که از دانش واقع‌گرایانه، تولید سرمایه، نوآوری‌های فناوری-های مختلف و اقدامات ساماندهی حاصل می‌شود. «دانش» درخصوص فرایند جهانی شدن معتقد است که هم‌اکنون در یک دوران گذار زندگی می‌کنیم که سیاست و اقتصاد، قرن آینده را به گونه‌ای صورت‌بندی خواهد کرد که در آن تولیدات و فناوری‌های ملی، شرکت‌های ملی و صنایع ملی وجود نخواهد داشت. «مک ایوان» جهانی شدن را گسترش بین‌المللی مناسبات تولیدی و مبادله سرمایه می‌داند. به سخن دیگر جهانی شدن، فرایند چند بعدی است که طی آن کشورها، شهرها و مردم از طریق جریان‌ات رو به گسترش، جمعیت، کالا، سرمایه، خدمات و ایده‌ها به هم دیگر نزدیک‌تر شده‌اند. پس «جهانی شدن»، بهترین سیاست نیست، بلکه یک واقعیت غیرقابل اجتناب و جلوگیری است. «آنتونی گیدنز» معتقد است که جهانی شدن در واقع فراگیر شدن خصوصیات ذاتی مدرنیته و تجدد است که با گسترش وسایل ارتباطی و ناتوانی مرزها و حاکمیت‌های ملی، در کنترل رسانه‌های بین‌المللی در تمامی نقاط جهان منتشر می‌شود، به گونه‌ای که اندک اندک کل مردم جهان دارای فرهنگ مشترک (ناشی از مدرنیته) می‌گردند و همین دیدگاه را در کتاب «جهانی شدن زندگی ما را دوباره شکل می‌دهد»، اینگونه مطرح می‌کند: «ما در دوران مهم انتقال تاریخی زندگی می‌کنیم، به این معنی که جهانی شدن، تمامی جوامع روی سیاره زمین را نظمی مجدد می‌بخشد و اگرچه برخی مواقع نتایج این امر قابل پیش‌بینی نیست، اما به طور کلی در جهتی مثبت رو به پیشرفت است. به این ترتیب جهانی شدن از دیدگاه گیدنز، گرچه همواره رو به پیشرفت است، ولی در مسیر خود با موانعی نیز روبه‌رو خواهد بود که تقابل میان سنت و تجدد به شمار می‌رود.

گیدنز در کتاب جامعه‌شناسی، جهانی شدن را اینگونه تعریف کرده است: "گسترش روابط اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان در دوران کنونی، جنبه‌های متعددی از زندگی مردم از سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی تأثیر می‌پذیرد که

هزاران مایل دورتر از جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، قرار دارند. یکی از جنبه‌های اصلی مطالعه جهانی‌شدن، ظهور یک نظام جهانی است؛ یعنی از برخی جهات ما می‌باید جهان را به صورت یک نظم اجتماعی واحد در نظر بگیریم."

جهانی‌شدن، مفهومی از یک سو قدیمی و از سوی دیگر کاملاً جدید است. اگر جهانی‌شدن را مفهومی آرمانی، انتزاعی، به معنای عدالت جهانی و گسترش حقوق بشر بدانیم، این مفهوم توسط پیامبران و ادیان مختلف بازگو شده است و از طرفی پیگیری خط سیر دیدگاه جهانی‌شدن در میان نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسان از جمله ماکس وبر، دورکیم، مارکس و والرش‌تاین قابل ریشه‌یابی است. عقلانیت صوری و خرد ابزاری که ناشی از افسون‌زدایی است و دیدگاه وبر به هرحال حکایت از یک روند دارد. وی براساس یک اعتقاد بدبینانه به قانون کلی رسیده است که در آن، یک روند را می‌توان دید. "دورکیم" بحث تقسیم کار، تراکم مادی و اخلاقی و تبدیل همبستگی‌های مکانیکی به ارگانیکی را مطرح می‌سازد که همگی ناظر بر نوعی جهان جدید است و تقسیم کار بین‌المللی، نوعی جهانی‌شدن را طرح می‌کند. اما اگر جهانی‌شدن را در معنای عینی آن، با توجه به تعاریفی که ارائه شده ایجاد تحولات عمیق در عرصه‌های گوناگون بدانیم، مفهومی جدید است که از زمان فروپاشی کمونیسم و نظام دو قطبی و بالاخره پایان جنگ سرد عینیت یافته است. فضای جنگ سرد مانع عمده‌ای برای جهانی‌شدن به شمار می‌رفت، زیرا هم از نظر فضای فیزیکی، ایدئولوژیکی و نیز شرایط روانی و هم به لحاظ بلوک بندی‌های شرق و غرب موانع زیادی برای اطلاق حوزه‌های وسیع‌تری از مفاهیم وجود داشت، به گونه‌ای که بسیاری از الگوهای رفتاری از شمول جهانی‌شدن مستثنی می‌گردید. به این ترتیب تشدید روند جهانی‌شدن که با پایان جنگ سرد همراه بود، از یک سو باعث فروپاشی نظام دو قطبی و از طرف دیگر با مورد سؤال قراردادن پایه‌ها و اصول روشنگری موجب به هم ریختن سه مفهوم بنیاد، وحدت و هدف غایی شده و همین امر چندگانگی، تنوع و کثرت را به همراه داشته است. تحت این شرایط، مردم‌سالاری کثرت‌گرایانه که عمدتاً با تفاوت‌ها و تعارض‌ها سروکار دارد، در مقابل مردم‌سالاری اجتماعی که حالت

سلطه‌گرایانه داشته و با حذف تفاوت‌های اصلی امکان‌پذیر است، قرار می‌گیرد.

ویژگی بارز جهانی شدن

ویژگی این پدیده و این دوره تاریخی جدید را می‌توان وحدت در کثرت و کثرت در وحدت، یا به تعبیری "یک تمدن تمدن‌های بسیار" دانست. جهان گستری یا همان جهانی‌شدن، مرحله تازه‌ای را که بر شیوه تولید اطلاعات مبتنی است، در تمدن بشر آغاز کرده است. این شیوه برخلاف شیوه تولید صنعتی که یک جهان صنعتی مبتنی بر تجدد را ایجاد می‌کرد، ظاهراً به سمت جهان تناقض نمای "یک تمدن تمدن‌های بسیار" میل می‌کند. جهانی که در آن در خصوص مفروضات بسیاری اشتراک‌نظر هست، اما هر یک از مفروضات جلوه‌های گوناگونی پیدا می‌کنند. پدیده جهانی شدن به پیدایش مرحله تازه‌ای در تمدن انسان، یعنی تمدن جهانی حاوی تمدن‌های بسیار منجر شده است. دهکده جهانی و گسترش رسانه‌های نوین و واقعیت جهانی‌شدن به معنای این است که پیشرفت‌های که انقلاب علمی و صنعتی به‌ویژه در گستره ارتباطات بدان دست یافته، مجال را برای پیدایش نیروها و نهادها و شبکه‌هایی که ماهیت و ابعادی جهانی دارند، هر لحظه بیشتر و بیشتر باز می‌کند و در نتیجه موجب طرح مشکلات بسیاری در گستره جهانی می‌گردد که حل آنها ممکن نیست، مگر با سیاست‌های جهانی و فراگیر، به عبارت دیگر مشکلات جهانی، سیاست‌ها و راهبردها و طرح‌های جهانی را طلب می‌کند و این خود به معنای پدیدار شدن فرصت‌ها و مساعد شدن زمینه‌ها برای تحقق و پیاده‌سازی پروسه جهانی‌شدن می‌باشد. نیروها و ظرفیت‌هایی که از محدوده خاص خود رها شده و ابعاد و اندازه‌های جهانی به خود گرفته‌اند، هم اینک تصمیماتی در حجم و مقیاس‌های جهانی می‌طلبند.

اطلاع‌رسانی

یکی از کارکردهای اساسی رسانه‌ها، از جمله شبکه‌های اجتماعی، اطلاع رسانی از تحولات و وقایعی است که در محیط اجتماعی واقع می‌شوند. پیشرفت بهت‌انگیز وسایل ارتباط جمعی در قرن حاضر، جهان را به دهکده کوچکی تبدیل کرده که انسان‌ها امکان اطلاع‌یابی از همه وقایع و حوادث جهان را به‌طور سریع و جامع دارند. در عصر ارتباطات هیچ حادثه‌ای هر چند در دورترین نقاط، منحصر به یک منطقه جغرافیایی خاص نیست و از این رو سه ویژگی: فرازمانی، فرامکانی و سرعت فوق‌العاده ازخصیصه‌های وسایل ارتباط-جمعی است. امروزه تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در رسانه‌ها رسوخ کرده و از خصوصی‌ترین رفتار انسان‌ها تا بزرگترین تغییرات نهادهای اجتماعی و ساختارهای فرهنگی و سیاسی از طریق رسانه‌ها ارائه می‌گردد.

اطلاع‌رسانی، علم مناسب‌سازی (گردآوری، ذخیره و پردازش اطلاعات) و دسترس پذیر ساختن اطلاعات (بازیابی و انتقال اطلاعات) است. (قبادی، JIS. mht) دانش اطلاع‌رسانی، رشته‌ای علمی است که به مطالعه کیفیت و کاربرد اطلاعات، نیروهای حاکم بر جریان اطلاعات و ابزارهای آماده‌سازی اطلاعات برای دسترسی و استفاده مطلوب از آن می‌پردازد. کار دانش اطلاع‌رسانی پرداختن به آن بخش است که به تولید، گردآوری، سازماندهی، ذخیره، بازیابی، ترجمه، انتقال، تبدیل، و کاربرد اطلاعات مربوط می‌شود. (ویکری ۱۳۸۰، ۲۱)

مک کوئیل کارکرد اطلاع رسانی رسانه‌ها را در جامعه چنین بیان می‌کند:

– تأمین اطلاعات درباره رویدادها و شرایط موجود در جامعه و جهان؛

– اشاره به روابط قدرت؛

– تسهیل نوآوری، سازگاری و پیشرفت.

شبکه‌های اجتماعی

در دنیای ارتباطات علمی، شبکه‌های اجتماعی را می‌توان از بسترهای مؤثر در تولید علم، اشتراک عقاید و رشد فردی و اجتماعی دانست. هدف شبکه اجتماعی این است که با فراهم آوردن امکان ارتباط بین سرمایه‌های فردی و تشکیل سرمایه اجتماعی، به رشد و ارتقای سطح علم کمک کند.

هدف کلی هر شبکه اجتماعی، ایجاد سرمایه اجتماعی و تسهیل ارتباط بین متخصصان، هنرمندان و صاحبان حرفه‌های متعدد است. تبدیل سرمایه فردی به سرمایه اجتماعی، از مسائل مهم و مورد توجه تمامی حوزه‌های علمی است. از این طریق، دانش فردی به دانش جمعی تبدیل و در واقع از دانایی جمعی برای حل مسائل و مشکلات دنیای علم بهره‌برداری می‌شود.

شبکه‌های اجتماعی مجازی

انقلاب ارتباطات، نوع جدیدی از ارتباطات مجازی را که خالی از روح حاکم بر روابط واقعی اجتماعی است به وجود آورده است. از طریق ماهواره، اینترنت و... جهان جدیدی به موازات جهان واقعی به وجود می‌آید. رسانه‌های الکترونیکی مخاطبان وسیع و متکثری دارند که مجموعه‌هایی از حیث محتوای نمادین را به این مخاطبان عرضه می‌کنند. در چنین شرایطی فضای مجازی شکل می‌گیرد و فرهنگ‌ها همه از طریق واسطه‌های الکترونیکی منتقل می‌شوند و مفاهیم زمان و مکان معانی تازه‌ای پیدا می‌کنند. فواصل زمانی و مکانی عملاً از میان برداشته می‌شوند و انتقال اطلاعات، داده‌ها و سرمایه‌ها و امکان ارتباط همزمان میان افراد در نقاط مختلف به وجود می‌آید.

جهان طی چند سال گذشته قدم به دنیای جدیدی تحت عنوان «وب ۱» و در ادامه «وب ۲» گذاشته که ظرف مدت زمان اندکی، «وب ۲» به سبب امکان ارتباط تعاملی دوسویه مورد استقبال کاربران فضای سایبری قرار گرفته است. اکنون نتایج پژوهش‌ها بیانگر افزایش فعالان مجازی نسبت به شبکه‌های اجتماعی است که در عصر کنونی به محبوب‌ترین نوع وبسایت‌ها بدل شده و کاربران، بخش

قابل توجهی از وقت خود را به این شبکه‌ها اختصاص داده‌اند. در ابتدا «وب۱»، دنیای اطلاعات را در فواصل زمانی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ متحول ساخت و با ایجاد دسترسی همگانی به اطلاعات مختلف بدون هیچ‌گونه محدودیتی، در دنیای فیزیکی انقلابی شگرف در زمینه دسترسی به اطلاعات و پیشرفت علم ایجاد کرد و پس از آن «وب۲» و وب‌سایت‌های دوسویه و شبکه‌های اجتماعی مجازی از سال ۲۰۰۰ تاکنون دنیای ارتباطات را چنان دگرگون ساخته‌اند که کاربران این بار ضمن دریافت پیام، خود شخصا اقدام به خوراک دهی سایت‌ها و وبلاگ‌ها می‌پردازند. گسترش وبلاگ‌ها از سال ۱۹۹۹ میلادی و در ایران از سال ۱۳۸۰ با راه‌اندازی چندین سرویس رایگان و یا ارزان‌قیمت در رابطه با وبلاگ و وبلاگ‌نویسی آغاز شده و به‌عنوان رسانه‌ای محاوره‌ای عمومیت یافته به‌صورتی که اکثر وبلاگ‌نویسان از وبلاگ برای بحث در ارتباط با موضوعات مورد علاقه استفاده و با به‌کارگیری لینک‌های متعدد را امکان دنبال کردن مباحث مورد علاقه خود را در اختیار خوانندگان قرار داده و آنها را ضمن شرکت در مباحث موردنظر و آگاهی از سایر دیدگاه‌های موجود، ترغیب به بیان عقاید و نقطه‌نظرات خود می‌کنند. وبلاگ‌ها بعضاً دارای یک مؤلف و برخی هم به‌صورت گروهی اداره می‌شوند و عملکرد برخی از آنها نظیر پرتال بوده و خوانندگان را به سایر وب‌سایت‌ها و وبلاگ‌ها هدایت می‌کنند، در حالی که برخی دیگر در عرصه‌های مختلف و در ارتباط با مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و... اقدام به نشر اطلاعات کرده و مخاطبان را با رویکردی کاملاً آزاد قادر به مطالعه مطالب و در صورت تمایل بیان و ارایه دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات در ارتباط با آن موضوع می‌کنند.

در مجموع، این ارتباطات دو طرفه [۱۱] در «وب۲» سبب ایجاد شبکه‌های اجتماعی بزرگی همچون فیس‌بوک [۱۲] (سومین جامعه بزرگ دنیا)، آمازون [۱۳] (بزرگترین کتاب فروشی دنیا)، ویکی‌پدیا [۱۴] (بزرگترین دایره‌المعارف دنیا)، ابای [۱۵] (بزرگترین سوپرمارکت دنیا) و بسیاری دیگر، در تمامی زمینه‌های زندگی بشر شده و به‌نوعی تمامی روابط اجتماعی جامعه بشری را تحت تاثیر خود قرار داده است.

به اعتقاد صاحب نظران ارتباطات، شبکه‌های اجتماعی باعث شکل‌گیری مفاهیمی همچون صمیمیت و اعتماد در فضای سایبری شده است، مفاهیمی که در گذشته - ای نه چندان دور دستیابی و تحقق آن در حد یک رؤیا بود.

شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی

جهان کنونی با شتاب در حال تحول است و اینترنت یکی از عوامل اصلی جهانی شدن به‌شمار می‌رود. نفوذ امواج جهانی شدن به درون مرزها که بسیاری از دولت‌ها را غافلگیر و پایه‌های حکومت‌ها را لرزان کرده، از مجرای رسانه‌های گروهی محقق شده است. گسترش فناوری‌های نوین ارتباطاتی منجر به چند وضعیت جدید شده است: اول آنکه به‌لحاظ زمانی، جوامع و افراد (در سطوح تحلیل مختلف) به‌رغم وجود مسافت بسیار در میانشان، در وضعیت هم‌زمانی قرار می‌گیرند. وضعیتی که منجر به هم‌بودی افراد در سطح جهانی گردیده است. (هم‌بودی زمانی-جهانی) دوم آنکه از لحاظ مکانی، با گسترش ارتباطات نرم‌افزاری نوین، نقش مکان و فاصله‌های مکانی کم‌رنگ می‌گردد. نمونه بارز آن عبور روان پدیده‌ها از «مرز» کشورها می‌باشد. در واقع تکنولوژی‌های نوین ارتباطاتی در جهان، ایده موسوم به دهکده جهانی را تحقق عینی بخشیده و مردم هم‌اینک در جهانی زندگی می‌کنند که از هر لحاظ تحت نگاه تیزبین یکدیگر قرار دارند. چه بسا اصطلاح "اکواریوم جهانی" و یا "جهان شیشه‌ای" زاییده همین تصور باشد.

یکی از مهم‌ترین وجوه تأثیرگذار بر فرایند جهانی شدن، ظهور شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی از جمله اینترنت است که فاصله‌ها را از میان برداشته است و در زمانی کوتاه، حجم وسیعی از اطلاعات را منتقل می‌کند و امکان ارتباط بین افراد در اقصی نقاط دنیا و دسترسی به اطلاعات روزآمد را فراهم می‌نماید. فاکتور رسانه‌های جمعی و نقش آن در تحولات اجتماعی و جوامع بشری، به‌خصوص در حال حاضر آن - قدر برجسته است که دانشمندان، ناگزیر قرن بیست‌ویکم را "عصر انفجار اطلاعات" و "انقلاب تکنولوژی اطلاعاتی" نامیده‌اند.

باگسترش شبکه‌های ارتباطی مفهوم قلمروی جغرافیایی و حاکمیت دولت‌ها بر مرزهای فیزیکی خود رنگ باخته و در شبکه جهانی، اجتماعات مجازی تشکیل شده و افراد بدون ملاقات با یکدیگر تشکیل جامعه مجازی [۱۶] می‌دهند همان‌طور که در سال ۱۹۸۷ دانیل بل حذف جغرافیا را به‌عنوان یک متغیر کنترل کننده پیش-بینی نمود، سمبل ملیت امروز، اطلاعات مشترک است و نه خون و سرزمین مشترک که آنرا Infon Nation می‌نامیم. همان‌طور که واکر می‌گوید که در دنیایی که به‌طور فزاینده به یکدیگر وابسته می‌شود، دیگر مرزهای سنتی جوامع سیاسی درنور دیده خواهد شد. (Walken , 1991 :82) امروزه حتی افکار عمومی از طریق تشکلهای مجازی و شبکه‌ها شکل می‌گیرد و جهت پیدا می‌کند و این تشکلهای از حقوق افراد خود دفاع می‌کنند و از طریق همین شبکه‌ها افراد تقاضای خود را به دولت‌ها منتقل و آنها را تحت فشار قرار می‌دهند. امروزه افراد و سازمان‌ها از طریق وسایل ارتباطی مردم را نسبت به مسائل حیاتی خود آگاه می‌سازند و به-نحوی افکار عمومی را شکل می‌دهند. جنبش سبزها و فمینیست‌ها امروزه بیشترین استفاده را از وسایل ارتباط جمعی برای تحت فشار قرار دادن دولت‌ها در رعایت موازین زیست‌محیطی و حقوق زنان به‌کار می‌برند. سازمان‌های دفاع از حقوق بشر، کودکان، زندانیان و افراد تحت ستم امروزه از رسانه‌های ارتباطی به‌نحوی استفاده می‌نمایند که شکل‌گیری افکار عمومی، خارج از فیلترها، کانال‌ها و چارچوب رسمی دولت‌ها انجام می‌گیرد و همان‌طور که شاهدیم دولت‌ها به شدت توسط رسانه‌ها کنترل می‌گردند به‌نحوی که ادعا می‌گردد رسانه‌ها در جامعه مدنی صرفاً واسطه میان دولت و مردم نیستند بلکه وظایف سایر نهادها را نیز بر عهده دارند و بحث از سیاسی شدن رسانه‌ها مطرح می‌باشد. (برادران، ۱۳۷۸: ۴۰۶)

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به‌عنوان منبعی جهت «کنش جمعی» تلقی می‌گردد و این منبع علاوه بر آگاهی و توجه نسبت به امور عمومی اجتماعی-سیاسی (شناخت)،

یعنی آگاهی‌یی که موجب علاقه‌مندی و دل‌نگرانی است، شامل هنجارهای اعتماد اعم از اعتماد عمومی یا تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی / مدنی، هنجارها، و یا رفتارهای تعاملی متقابل که در درون شبکه‌های اجتماعی عمل می‌کنند و عناصر ساختاری شبکه‌ها و مشارکت‌های رسمی و غیررسمی می‌باشد. نتایج سرمایه اجتماعی در داخل شبکه شامل مجموعه‌ای از کنش‌های جمعی در اشکال و اندازه‌های مختلف است.

«سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع موجود یا بالقوه‌ای است که به مالکیت شبکه پایداری از روابط کم یا بیش نهادینه شده افراد بستگی دارد؛ افرادی که یکدیگر را می‌شناسند و خود را مدیون هم می‌دانند یا به عبارت دیگر، با تعلق به یک گروه، به عنوان مجموعه عاملانی که نه فقط صاحب حیطه‌های مشترک هستند، بلکه با پیوندهای پایدار و سودمند به یکدیگر وابسته‌اند. این حیطه‌های مشترک با عینک مشاهده‌گر بیرونی، دیگران یا خود عاملان رؤیت پذیرند.» (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۲۴)

مباحث و عناوین تازه‌ای که پیرامون «سرمایه اجتماعی» صورت گرفته، هنگامی محقق می‌شود که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل کند. اگر سرمایه فیزیکی کاملاً محسوس بوده و به صورت مادی و قابل مشاهده تجسم می‌یابد و سرمایه انسانی در مهارت‌ها و دانشی که فرد کسب کرده متجلی می‌شود. سرمایه اجتماعی ناملموس‌تر بوده و در روابط میان افراد تجسم می‌یابد و اگر سرمایه فیزیکی و انسانی روابط تولید را تسهیل می‌نماید، سرمایه اجتماعی نیز همانند آنها عمل می‌کند به گونه‌ای که گروهی از اعضایش که قابلیت اعتماد و همکاری بیشتری را دارند، کارهایی بسیار بیشتر از گروهی که فاقد آن اعتمادپذیری هستند را انجام می‌دهند.

سرمایه اجتماعی در ایران، به ترتیب اهمیت، از عواملی به این شرح تأثیر می‌پذیرد: تعهد دینی، تحصیلات، مشارکت رسمی یکی از اعضای خانواده، سن، جنس و دین - باوری. (فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۳)

ارتباط مؤثر

این توانایی به فرد کمک می‌کند تا بتواند کلامی و غیرکلامی و مناسب با فرهنگ، جامعه و موقعیت، خود را بیان کند بدین معنی که فرد بتواند نظرات، عقاید، خواسته‌ها، نیازها و هیجانات خود را ابراز و به‌هنگام نیاز بتواند از دیگران درخواست کمک و راهنمایی نماید. مهارت تقاضای کمک و راهنمایی از دیگران، در مواقع ضروری، از عوامل مهم یک رابطه سالم است.

مشارکت

"مشارکت به معنی کنشی هدفدار، ارادی و اختیاری به معنی آزادی درونی با ویژگی کنش متقابل میان کنشگر و زمینه اجتماعی و محیطی او و قبول آگاهانه انجام امری یا بخشی از امور در شکل معاضدت، معاونت، همیاری و همکاری از روی میل و رغبت و نیاز و با هدف بهبود زندگی اجتماعی، به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر فرایند امور و مسایل اجتماعی و توسعه ملی از سوی صاحب نظران مختلف طرح شده است." (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۲)

مشارکت را، دخالت افراد جامعه به‌منظور افزایش سازگاری اجتماع و تقویت امنیت اجتماعی، که زمینه‌ساز توسعه پایدار اجتماع می‌شود، قلمداد می‌کنیم." (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۷)

در مشارکت عمومی به مردم فرصت داده می‌شود که در تعیین سرنوشت و ساختن آینده خود شریک و سهیم شوند. "برخی از فعالیت‌هایی که دربرگیرنده موارد مختلف مشارکت اجتماعی است، عبارتند از: معرفی و شناسایی مجرمین در کلیه موارد، رأی دادن، نام‌نویسی، فعالیت برای جمع‌آوری آرا و ثبت نام رأی‌دهندگان، مقاله‌نویسی و سخنرانی و عضویت در انجمن‌ها و شوراهای...، جست‌وجوی اطلاعات، بحث کردن و پذیرش مردمی جدید، شرکت در میتینگ‌های

سیاسی، کمک مالی به ستادهای انتخاباتی نامزدها، ارتباط داشتن با نمایندگان، شرکت در امور عام‌المنفعه، مشارکت در پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی، شرکت در تأسیس تشکلهای صنفی، مشارکت در برنامه‌های حمایت از محیط زیست و نظایر آن." (کلمن، ۱۳۷۳: ۳۷)

کنش ارتباطی

ارتباط موجب کنش مشترک و تغییر محیط و بهبود وضعیت افراد و گروه‌های آن می‌شود. در عین حال، کاربرد ارتباطات را برای تحقق سایر کاربردها نیز تسهیل می‌کند و فراگردی آغاز می‌شود که در صورت وجود شرایط مطلوب، مارپیچی را از هویت، اجتماع، آگاهی و کنش مضاعف پدید می‌آورد و فرد یا گروه را یاری می‌دهد تا به اهدافش دست یابد." (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۱)

در نظر دورکیم، کنش اجتماعی «شامل چگونگی عمل، تفکر و احساس است که خارج از فرد می‌باشند و دارای قوه اجبار و الزام هستند که به برکت آن خود را بر فرد تحمیل می‌کنند». بنابراین می‌توان گفت دورکیم برای عینی بودن کنش‌ها، دو معیار دارد:

__ بیرونی بودن حالات عمل، فکر و احساس در رابطه با اشخاص؛

__ جبر و فشاری که اشخاص تحمل می‌کنند.

درک معنا و عینیتی که دورکیم برای کنش قائل است، منوط به درک دو مفهوم وجدان جمعی و فردی است که او مطرح می‌کند.

ارتباط شبکه‌های اجتماعی مجازی با جهانی شدن

از نظر مفهومی، جهانی‌شدن به یکپارچگی جهان و تراکم آگاهی نسبت به

جهان به عنوان یک کل، دلالت دارد. این فرایند با وجود برخی گسست‌ها همواره در طول تاریخ بشر وجود داشته و امروز به یک موضوع مهم در کانون توجه سیاستمداران و پژوهشگران در زمینه‌های گوناگون و رایج‌ترین مفاهیم علوم انسانی تبدیل شده است. در میان بسیاری دیگر از جمله نظریه‌پردازان و دانشمندان، پیشینه تاریخی جهانی‌شدن به مجموعه پدیده‌های گسیخته و ازهم جدایی باز می‌گردد که در نیمه دوم قرن بیستم روی داد و با قرار گرفتن در کنار هم نظر جهانیان را به نوعی تمایل به همبستگی در آینده معطوف داشت. تأسیس سازمان ملل در سال ۱۹۴۵، انتشار کتاب دهکده جهانی مارشال مک‌لوهان در سال ۱۹۶۵، انتشار کتاب موج سوم نوشته الوین تافلر در سال ۱۹۷۸، فروپاشی ابرقدرت شرق و پایان یافتن نظام دوقطبی در سال ۱۹۸۹، اتحاد پولی یازده کشور اروپایی در سال ۱۹۹۸ و بسیاری از رخداد‌های دیگر به‌ویژه طی دهه هفتاد به بعد که خوش‌بینی تازه‌ای را به ارمغان آورد و واژه‌هایی از قبیل صلح و امنیت، زمینه‌ساز وابستگی متقابل بسیاری از کشورها شد و به شکل فزاینده‌ای با مفهوم دموکراسی همراه شد و در قالب‌بندی تئوریک جهانی شدن اثر گذاشت.

برخی محافظه‌کاران مانند هانتینگتون بر این اصرار می‌ورزند که سیاست، طبق معمول ادامه می‌یابد. اما اینک تمدن‌ها به عنوان واحدهای سیاسی جانشین ملت-دولت‌ها شده‌اند و مبارزه بر سر قدرت و برخورد میان دولت‌ها جای خود را به برخورد میان تمدن‌ها می‌دهد. مارتین البرول [۱۷] جهانی شدن را به فرایندهایی - که بر اساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم می‌پیوندند، تعریف می‌کند. (صداقت، ۱۳۷۹: ۱۱)

جان دسکات، جهانی شدن را فرایندی می‌داند که در حال ساختن فضای [۱۸] جدید اجتماعی است. (Chaucil , 2000: 427)

دیوید هلد جهانی‌شدن را حرکت به سمت نوعی دموکراسی جهان‌شهری [۱۹] تعریف می‌کند که درعین حال کثرت فرهنگی و اقتصادی را نیز در خود خواهد داشت. (Held, 1999: 12) آمانوئل کاستل با اشاره به عصر اطلاعات [۲۰] جهان‌گرایی را

ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه‌داری اقتصاد، جامعه و فرهنگ را دربر می‌گیرد. (Castelle, 1998:38)

به عقیده آنتونی مک‌گرو، جهانی شدن یعنی افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولت‌ها و در نتیجه فراتر از جوامع دامن می‌گستراند و نظام جدید جهانی را می‌سازد. جهانی شدن به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌های یک بخش از جهان می‌تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع در بخش‌های بسیار دور کره زمین داشته باشد. (ویلیامز، ۱۳۷۹: ۱۳۷)

امروزه یکی از مفاهیم و واژه‌های پرکاربرد در عرصه‌های «فرهنگی»، «رسانه‌ای»، «مدیریتی» و «دانشگاهی» و نهایتاً «روشنفکری» کشور، «جامعه اطلاعاتی» است که برخی عبارات به شرح زیر است: «حرف اول را در جهان امروز اطلاعات می‌زند و هر که اطلاعاتش بیش، توفیقش بیشتر. ما وارد دوران انفجار اطلاعات شده‌ایم و دیگر نمی‌توان جلوی نفوذ و گسترش اطلاعات را سد کرد و یا به کنترل درآورد. با جهانی شدن، همه مرزها درنور دیده شده و فاصله زمانی و مکانی از میان رفته است.»

جامعه اطلاعاتی نیز مانند بسیاری دیگر از مفاهیم علوم اجتماعی تعاریف متعددی به خود دیده است. «وبستر» (۱۳۸۳) در یک تقسیم‌بندی کلی پنج‌گونه از این تعاریف را ارایه می‌دهد: ۱- تکنولوژیک ۲- اقتصادی ۳- شغلی ۴- مکانی ۵- فرهنگی. از مهم‌ترین گونه‌های برشمرده «وبستر»، تعریف تکنولوژی-محور است که مجموعاً به تغییر و تحولاتی در حوزه فناوری اشاره می‌کند که در نهایت «اطلاعات» را به قانونی‌ترین متغیر اجتماعی تبدیل می‌نماید. یعنی پس از اینکه در جامعه‌ای مجموعه این نوآوری‌های تکنولوژیک استقرار یافت، می‌توان از «جامعه اطلاعاتی» سخن گفت. محصول نهایی تحولات تکنیکی فوق به‌طور عمده به پدیده چندرسانه‌ای‌ها [۲۱] از یک طرف و متحد شدن ارتباطات مخابراتی، تکنولوژی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های ماهواره‌ای و وسایل ارتباط جمعی در پدیده «اینترنت» از طرف

دیگر منتهی می‌شود. اینترنت شامل تمامی ویژگی‌هایی است که برای تکنولوژی-های نوین ارتباطی برشمرده‌اند: تعاملی بودن [۲۲]، تمرکززدایی [۲۳]، انعطاف-پذیری [۲۴] و ناهمزمانی [۲۵]. (مهرداد، ۱۳۸۰: ۵) اینترنت روح شرایط اشباع رسانه‌ای و کلکسیون تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و شاخص پرشتاب سرعت در واپسین دهه قرن بیستم و سال‌های فراوی هزاره سوم است؛ سال‌هایی که در ادبیات خود، این بزرگترین دستاورد ارتباطی بشر را در صدر فهرست رسانه‌های پست‌مدرن به عنوان یک فضای نامحدود اطلاعات ثبت خواهد کرد.

(شکرخواه، ۱۳۸۰: ۸)

با پیشرفت روزافزون و حیرت‌آور وسایل ارتباط جمعی در جهان و امکان دستیابی به تازه‌ترین خبرها و گزارش‌های نوشتاری، شنیداری و دیداری از دورترین مناطق جهان و استفاده بپینه از رسانه‌ها و ابررسانه‌ها، برخی از متفکران و صاحب‌نظران غربی وسایل ارتباطی نوین جهانی را به عنوان بستر ساز تحقق شتابان و بی‌وقفه پروسه جهانی شدن دانسته‌اند.

جامعه مانند موجود زنده ای، دائما رو به دگرگونی، تحول، تکامل و انقلاب می‌رود که به عقیده دانشمندان با برخورداری از این اوصاف، مسیر حرکت خود را به سمت و سوی تکامل و پویایی می‌پیماید. دگرگونی و تحول از خصایص بارز و انکارناپذیر جامعه است و در این میان عناصر و عواملی وجود دارند که مرتب شرایط و زمینه این دگرگونی‌ها را به‌طور مساعد فراهم می‌سازند.

در عرصه‌های سیاسی، وسایل ارتباط جمعی نقش غیرقابل انکار و مؤثری را داراست. از بسیج عمومی و جهت‌دهی افکار جمعی تا کمک به شیوه‌های حکومت-داری، نظارت بر عملکرد و کارکردهای آرمان‌های دولتی، تقویت نهادهای مدنی، ترغیب شهروندان به مشارکت گسترده ملی، تحریک احساسات ملی و سیاسی جامعه، برملا ساختن زدوبندهای پشت پرده در جریان‌ات سیاسی، انتقال پیام و مطالبات مردم به دولت و منعکس ساختن فعالیت‌ها، برنامه‌ها و عملکردهای

دولت در جامعه و....

وسایل ارتباط جمعی در نهادهای ساختن پلورالیسم سیاسی، تبیین دیدگاه‌های احزاب مختلف و ترویج دموکراسی و... جایگاه ممتازی دارد، به‌خصوص در دوران گذار، کمک شایانی در پشت سر گذاشتن بحران می‌کند. چرا که «از مؤلفه‌های اصلی دوران گذار، وجود رسانه‌هایی همگانی با رویکرد جمع‌گرا به ارزش‌های مدرن سیاسی و اجتماعی می‌باشد، زیرا که تنوع و تکثر رسانه‌های همگانی، موجب ارائه راه کارهای کثرت‌گرایانه فرهنگی - سیاسی بر دگردیسی بنیادهای سنتی جامعه، عمیقاً تأثیرگذار بوده و موجب تسریع در روند جدید سیاسی و نهادینگی هنجارهای مدرن اجتماعی می‌گردد. در واقع برجستگی و برازندگی نقش رسانه‌ها در پیشرفت دموکراسی و تثبیت آن به‌عنوان یک الگوی مدرن سیاسی دارای نیرویی دگرگون‌ساز در روابط و هنجارهای متعین در سیاست و اجتماع است.»

مرادعلی صدوقی، در کتاب تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی، در مورد نقش و تأثیر وسایل ارتباط جمعی نوشته است: «برخی معتقدند که این ابزار موجب جابه‌جایی قدرت از دولت ملی به بازیگران غیردولتی، فرا یا فروملی، شکستن انحصار کنترل و مدیریت دولت‌ها بر حجم عظیم اطلاعات، خدشه در سلسله‌مراتب‌های قدیمی، پخش و اشاعه قدرت میان گروه‌ها و افراد، غیرملی شدن و غیرسرزمینی شدن اقتصاد و سیاست، و... و در نهایت فرا رسیدن پایان عمر دولت-ملت هستند.» (صدوقی، ۱۳۸۰: ۴۸)

نتیجه‌گیری

هدف از جهانی شدن، نیل به عصر جهانی است و مشخصه عصر جهانی از نظر بسیاری از اندیشمندان فروریختن مرزبندی‌های مصنوعی و حضور جدی مرزبندی‌های طبیعی است. به گفته آنان مرزهای مصنوعی که حاوی خط‌کشی‌های ملی و نژادی است و پس از عصر حاکمیت دولت-ملت‌ها به وجود آمده است، فرو می‌ریزد و مرزهای طبیعی جای آنها را می‌گیرد. مرزهای طبیعی که تابع

سرزمین نبوده و توسط گروه‌های همفکر و دارای منافع مشترک به وجود می‌آید و درعین پراکندگی در سطح جهان، جوامع نوین و متداخلی را تشکیل می‌دهد که نمونه زنده آن گروه‌های طرفدار محیط‌زیست است. در چنین تغییراتی حکومت‌ها قدرت تصمیم‌گیری خود را کاملاً از دست داده و قدرت از حوزه حکومت به حوزه عمومی و مردم انتقال می‌یابد و مردم، صاحب قدرت می‌شوند. به هر صورت، تأثیرگذاری و نقش وسایل ارتباط جمعی در مسایل و قضایای سیاسی از مسلمات جهان امروز است و بخش بزرگی از رهبری سیاسی، اطلاع-رسانی در مورد مسائل داخلی و جهانی، معرفی سیاستمداران، ایجاد دگرگونی در ساختارهای مستبدانه دولت‌ها و... به‌عهده گردانندگان این ابزارها است و محتویات سیاسی این وسایل، حجم بزرگی از ذهنیت شهروندان در مورد مسائل سیاسی را به‌وجود آورده و سازمان‌دهی می‌کند.

در تاریخ معاصر، وسایل ارتباط جمعی در بقا و یا فناء دولت‌ها و دولتمردان تأثیرگذاری خاصی داشته و به کرات دیده شده که در جوامع دموکراتیک، رسانه-ها نقش نیرو و اهرم قوی فشار را در سوق دادن جریان‌ات سیاسی بر عهده می-گیرند. حتی دانشمندان علوم ارتباطات، هشدار داده‌اند که در حال حاضر سیاست‌های خارجی به وسیله این وسایل تعیین و جهت‌دهی می‌گردند که برای حاکمیت‌های ملی مفید و مطلوب نیست.

[۱] - social networking

[۲] Nelson.

[۳] Anthony Glidenz.

[۴] Robert Cox.

.Baker Epstein and Pollin .[\[5\]](#)

.Bartsellon .[\[6\]](#)

Transformation .[\[7\]](#)

change .[\[8\]](#)

Transcendence .[\[9\]](#)

M. HMLuhan .[\[10\]](#)

Interactive – [\[11\]](#)

Facebook– [\[12\]](#)

Amazone– [\[13\]](#)

Wikipedia–[\[14\]](#)

Ebay –[\[15\]](#)

Virtual socioty – [\[16\]](#)

M. Alberol –**19**

space– [\[18\]](#)

cosmopolition Democrocy – [\[19\]](#)

The information age –[\[20\]](#)

Multimedia –[\[21\]](#)

Interactivity- [۲۲]

pecentralization - [۲۳]

flexibility - [۲۴]

Asynchvenous- [۲۵]

مراجع :

- ۱) آلوین، لی، سو، ۱۳۷۸ «تغییر اجتماعی و توسعه»، ترجمه محمود مظاهری، ، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۲) بدیعی، نعیم، ۱۳۷۷ «تحلیل محتوای مطالب ۱۰ روزنامه تهران»، فصلنامه رسانه، سال نهم، شماره ۱، بهار
- ۳) برادران شرکا، حمیدرضا، ۱۳۷۸ «نقش دولت در جهان در حال تحول»، بانک جهانی، ، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چاپ اول
- ۴) چلبی، مسعود، ۱۳۷۵ «جامعه شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی»، تهران: نشر نی.
- ۵) سجادی، عبدالقیوم، ۱۳۸۲ "جهانی شدن و جهان اسلام، فرصت‌ها و تهدیدها"، کنفرانس وحدت اسلامی، تهران: اردیبهشت.
- ۶) روشه‌گی، ۱۳۶۶ «تغییرات اجتماعی»، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- ۷) قره باغیان، مرتضی، ۱۳۷۶ "فرهنگ اقتصاد بازرگانی"، تهران: انتشارات رسا.

- (۸) «سایت علم و رسانه» مرداد ۱۳۸۸.
- (۹) شکرخواه، یونس، ۱۳۸۰ «از آغاز تا روزگار اینترنت، دروازه‌بانی در رسانه‌های خبری جهان»، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال هفتم، شماره ۱۸۳۲، ۲۱ خرداد.
- (۱۰) فیروزآبادی، حسن، ۱۳۸۴ «پژوهش بررسی سرمایه اجتماعی در ایران و راههای ارتقای آن»، تهران.
- (۱۱) قبادی.
- (۱۲) نادران، الیاس، ۱۳۸۲ "جهانی شدن، چه باید کرد؟" سخنرانی ارایه شده در شانزدهمین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران: اردیبهشت.
- (۱۳) کاظمی‌پور، عبدالمحمد، ۱۳۸۳ «سرمایه اجتماعی در ایران؛ تحلیل ثانویه پیمایش‌های ۱۳۸۲-۱۳۵۳»، تهران: انتشارات طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- (۱۴) کلمن، جیمز، ۱۳۷۷ «بنیادهای نظریه اجتماعی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نشر نی، چاپ اول.
- (۱۵) گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۰ «جامعه شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر مرکز.
- (۱۶) مولایی، ۱۳۷۹، بازتاب شماره ۴.
- (۱۷) ویکری، برایان، ویکری، الینا، ۱۳۸۰ «علم اطلاع رسانی در نظر و عمل»، ترجمه عبدالحسین فرج پهلوی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد مؤسسه چاپ و انتشارات.
- (۱۸) ویلیامز، مارک، ۱۳۷۹ «بازاندیشی در مفهوم حاکمیت: تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت»، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی،

۱۹) مجله همدلی، ۱۳۸۵ مطبوعات، دموکراسی و فقرزدایی، مرکز فرهنگی آموزشی امام حسین(ع)، کابل، ش ۱، ۱۳۸۵.

20) Chaucil , Nasli: (2000). Cathouction: Cylen Politica in international Relation. International Political deienee Revilu Vol 21 , No , 3.

21) Castelle. Manael. (1998). The Network Jaliety. London. Bbackwell.

22) De Benait. Alain. (1996). Candnating glolalisation. Telan , No 108 , Sammen.

23) Coopen , R. N. (1968). The Ecanamicl agl intendenen elemce. New Yank: Mc Gnaw lwill.

24) 5-Gilpin , R. (1995). Wal and change in Wanld paliticl. Camlnidge Univercity Pneel.

25) Gidden. A. (1990). The Camrequencan agl Modenlty. Camlaidgo. pality Pledd.

26) Held , Danicl. (1999). Glolal Tnanakarmation. Ztamland: Ztandand Univercity Pnead.

27) Nanleng - Hodge , Helena. (1996). Bneak Up the Monocaltune The Natian , July , 1996.

28) Mc Gnew , J. (1992) A Glolal Jociety. Canlenidge , Pality Pnedd10-Rolaestkan , R. (1992). GlolaliSation: Jaua Theany and GLOGaL Cultuae. Landan: Jage.

29) Walken , R , J. (1991). Cantendung Javeneignition Redekining Palitical Cammumity. Baulden. Lyaae Reinnen.

30) Jchatte , Jan W. (1997)GLOGAL Capitalian and the dtate. international , 1997. No.

31) Mc Gnew , Anthancy (1997). The Tnamdonmation al Democnaey ?
GLOGALIsation and Tanitanial Damaenaury. Camlenidge. Patity .

Pned

مقاله ۲، دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۹، صفحه ۴۹-۷۸

نوع مقاله: مقاله پژوهشی